

محزون ولی دائماً شادمان

دکتر جان پایپر

چیزی که من آن را "شادی جویی مسیحی" می‌نامم، شیوه‌ای از زندگی است که در اعتقادی ریشه دارد که می‌گوید خداوند زمانی در ما جلال می‌یابد که ما بیشتر رضایت خود را در او بجوییم. پیامدهای این اعتقاد جنبه‌های مختلف و جالبی دارد. از جمله این حقیقت خیره‌کننده که هر نیکویی و پرستش حقیقی بخشی از جستجوی شادی در خداوند است.

دلیل این موضوع آن است که هر عمل نیکو و هر پرستش حقیقی باید به جهت جلال خداوند باشد. ما برای جلال دادن به خداوند خلق شده‌ایم (اشعیا ۴۳: ۷)، و همچنین پولس رسول می‌گوید: "هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید (اول قرن‌تیان ۱۰: ۳۱). پس تلاش برای انجام اعمال نیکو و هر پرستش، بدون در نظر داشتن جلال خداوند رفتاری گناه‌آلود است.

وقتی امور دیگر را بیش از خداوند مایه‌ی شادی بدانیم، خدا را جلال نداده‌ایم بلکه او را کوچک شمرده‌ایم. با درک این موضوع دیگر نمی‌توانیم نسبت به خشنودی و رضایت خداوند نسبت به اعمال خود بی‌تفاوت باشیم. اگر هدف ما در تمامی رفتارها جلال خداوند باشد باید بیش از هر چیز به دنبال خشنودی او باشیم.

وقتی عیسی گفت: "دادن از گرفتن فرخنده‌تر است" (اعمال رسولان ۲۰: ۳۵)، منظور او نادیده گرفتن این حقیقت در حین بخشیدن نبود. در حقیقت در همان بخش که پولس سخنان عیسی مسیح را بازگو می‌کند، می‌گوید: ما باید "به خاطر داشته باشیم" که به ما بخشیده شده است. اگر هدف ما آشنا کردن دیگران با شادی و لذت بخششی که در خداوند یافت می‌شود، نباشد، اشتیاق ما برای برکت دادن به دیگران صرفاً رفتاری از سر خودخواهی و ریا خواهد بود.

یک عبارت دوست‌داشتنی

اما تمامی این‌ها ما را به روحیه، احساس و ماهیت شادی جویی مسیحی نمی‌رساند. عبارتی که من بیشتر برای درک این موضوع استفاده می‌کنم از کلام خدا رساله‌ی دوم قرن‌تیان ۶: ۱۰ است: "چون محزون ولی دائماً شادمان." مایلم در مورد این عبارت، تفسیری کوتاه و یک تصویر کلی ارائه بدهم. در اول قرن‌تیان ۶: ۳-۱۰، پولس رسول نشان می‌دهد چگونه سعی بر این دارد که با شیوه‌ی زندگی‌اش سنگ لغزش برای دیگران نشود (آیه ۳)؛ در عوض به هرشکلی سعی بر اثبات خود دارد، آن‌هم با وجود سی نوع سختی و تجربه‌ی مختلف. او در تمامی آن تجربیات می‌گوید: "چون محزون ولی دائماً شادمان"، و موارد مختلف را در مقابل هم قرار می‌دهد "به عزت و ذلت و بدنامی و نیک‌نامی؛ چون گمراه‌کنندگان و اینک، راستگو هستیم؛ چون مجهول و اینک، معروف؛ چون در حالت موت و اینک، زنده هستیم؛ چون سیاست کرده شده، اما مقتول نی؛ چون محزون ولی دائماً شادمان؛ چون فقیر و اینک، بسیاری را دولتمند می‌سازیم؛ چون بی‌چیز، اما مالک همه‌چیز" (دوم قرن‌تیان ۶: ۸-۱۰).

آنچه در مورد پولس صادق است

یکبار از من پرسیده شد، چرا "محزون" بودن پولس را حقیقت شرایط او می دانم درحالی که پولس سعی دارد نکات منفی و مثبت را در آن آیات در مقابل هم قرار دهد، (مانند "گمراه کنندگان و اینک، راستگو هستیم")، شاید پولس می گوید دیگران او را "محزون" تصوّر می کنند درحالی که او همواره شادمان بود.

اما دلیل من برای شادمان بودن پولس با وجود غمها، در مقابل هم قرار دادن موضوعات مختلف از طرف او در این آیات است تا نشان دهد آن شرایط حقایق زندگی او بوده اند، ("مجهول و معروف، گمراه کننده و راستگو، فقیر و اینک بسیار دولتمند").

از دیدگاه پولس رسول، گمنامی، مرگ، انضباط، حُزن، فقر و تهیدستی حقایق موجود در زندگی اش هستند. بنابراین در ابتدای آیه ۹ او موضوعات اشتباه و صحیح را در یک لیست مقابل هم قرار می دهد. عزّت-ذلت، بدنامی-نیک نامی، گمراه کننده و اینک، راستگو، فقیر-غنی، محزون-شاد. در واقع پولس رسول خود را شخصی محزون می بیند و با قرار دادن این آیات در کنار رومیان ۹: ۲-۳ دیگر جای تعجّبی باقی نمی ماند "که مرا غمی عظیم و در دلم وَجَع دائمی است. زیرا راضی هم می بودم که خود از مسیح محروم شوم در راه برادرانم که به حسب جسم خویشانم هستند." غم و حزنی دائمی. عجیب است.

اگر این برای رسولی که همواره شادمان است صادق است، چه قدر بیشتر در مورد ما می تواند مصداق داشته باشد؟ حقیقت امر این است که زندگی ما نیز توأمأ با حُزن و شادی همراه است. اگر چنین نیست احتمالاً محبّتی که پولس برای گناهکاران در دل داشت در ما نیست.

شادی حقیقی

بنابراین شادی جویی مسیحی یک شادی و سرخوشی بی دلیل و کم اهمیت یا موضوعی بی ارزش نیست. شادی مسیحی صرفاً به معنی خنده بر لب داشتن نیست و چنین شادی ظاهری ربطی به شادی جویی حقیقی در مسیح ندارد.

سی. اس. لوئیس در نامه ها به مالکوم می گوید: "شادی سودای اساسی بهشت است." آمین. همچنین در تأملات مسیحی نوشت: "ما باید شاد باشیم. اما شادی ما باید از آن نوع باشد (و در واقع شادترین نوع) که بین افرادی وجود دارد که از ابتدا همدیگر را جدی گرفته اند - بدون تضاد، بدون برتری، بدون پیش فرض.

قلب مهربانی وجود دارد که با کسانی که شاد هستند شادی می کند و هم زمان با گریه کنندگان اشک می ریزد. گاهی شادی و گاهی حُزن و هرکدام طعم خود را دارد. می توانید طعم خاص این شادی و این حزن را بچشید.

دکتر جان پایپر (JohnPiper@) مؤسس و معلم Desiring God و رئیس کالج و مدرسه‌ی الهیات بیت لحم در مینیاپولیس و نویسنده بیش از پنجاه کتاب، A Godward Heart and Lessons from a Hospital Bed می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.